



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده مدیریت و اقتصاد

رساله دکتری تخصصی (Ph.D) علوم اقتصادی
گرایش اقتصاد صنعتی

بررسی اثرات فساد مالی

بر رشد اقتصادی و نابرابری در آمدی

وحید شقاقی شهری

استاد راهنما

دکتر حسین صادقی

اساتید مشاور

دکتر مجید صباغ کرمانی

دکتر عباس عساری

آذرماه ۱۳۸۸

چکیده

در مباحث اقتصادی دو مقوله رشد و توزیع درآمد همواره مورد بررسی و تحلیل اقتصاددانان قرار گرفته و با گذشت زمان عوامل توضیح کننده و اثرگذار بر این دو پدیده تکمیل تر شده است. در خصوص رشد اقتصادی، از نقش سرمایه و نیروی کار به عنوان مهمترین عوامل تبیین کننده رشد آغاز شده و بتدریج طی مطالعاتی با ورود عواملی دیگر همچون سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، بهداشت، فناوری اطلاعات و ارتباطات و ... کامل تر شده است. در ضمن، در بحث های نابرابری درآمدی نیز عوامل اثرگذار بر این مقوله با گذشت زمان کامل تر شده اند و عوامل جدیدی به حوزه تبیین علل توزیع درآمد افزوده شده است. در کل مشاهدات چشمگیر در عملکرد بلندمدت کشورها از حیث تفاوت فاحش در نرخ رشد اقتصادی و برابری درآمدی، لزوم بازنگری و تکمیل در نظریه های موجود را طلب می کند. بنابراین آنچه در سالهای اخیر در محافل علمی مطرح شده است، نقش عامل فساد مالی و اقتصادی در مدل های رشد و نابرابری درآمدی است.

در رساله حاضر نیز سعی گردید ضمن معرفی مبانی نظری و مروری بر ادبیات تجربی رشد و نابرابری درآمدی با فساد مالی، در قالب الگوهای اقتصادسنجی برای نمونه کشورهای آسیای جنوب غربی، این سئوالات که اولاً؛ «فساد مالی عامل بازدارنده رشد اقتصادی است» و ثانیاً؛ «فساد مالی منجر به افزایش نابرابری درآمدی در جامعه می گردد» مورد بررسی قرار بگیرد. در مجموع نتایج بدست آمده از برآورد الگوهای رشد تاکید بر ارتباط معنی دار و مستقیم بین شاخص کنترل فساد با رشد اقتصادی کشورهای منطقه می باشد. لذا کشورهایی که بدنبال افزایش رشد اقتصادی و متعاقب آن بهبود رفاه و درآمد سرانه می باشند، می بایست برنامه جدی جهت مقابله و ریشه کنی فساد پیاده نمایند و تازمانیکه فساد مالی در سطح بالایی باشد، امکان تحقق رشد اقتصادی مستمر وجود ندارد. همچنین نتایج بدست آمده از برآورد الگوی توزیع درآمد نشان می دهد که ارتباط معنی دار و مستقیم بین میزان فساد با ضریب جینی کشورهای منطقه وجود دارد، به گونه ای که افزایش یک واحدی شاخص کنترل فساد در بین کشورهای منطقه بطور متوسط در حدود ۰/۱۴۵ واحد ضریب جینی آنها را کاهش داده است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۶	فصل اول: مقدمه
۸	۱-۱- تعریف مسئله
۱۰	۲-۱- سئوالات و فرضیه های تحقیق
۱۰	۳-۱- اهداف و ضرورت تحقیق
۱۰	۴-۱- روش انجام تحقیق
۱۱	۵-۱- جامعه آماری
۱۲	فصل دوم: مروری بر مفاهیم و علل و پیامدهای فساد مالی
۱۳	۱-۲- مقدمه
۱۴	۲-۲- تاریخچه تحلیل های اقتصادی جرم و فساد
۱۶	۳-۲- اقتصاد اخلاقی و فساد
۱۷	۴-۲- مفهوم فساد (تعریف و ابزارهای فساد مالی و اقتصادی و گونه های مختلف آن)
۱۷	۱-۴-۲- تعریف فساد
۱۸	۲-۴-۲- ابزارهای فساد مالی و اقتصادی
۲۰	۳-۴-۲- گونه های فساد مالی
۲۲	۵-۲- مروری اجمالی بر علل و پیامدهای اقتصادی فساد مالی
۲۵	فصل سوم: مروری بر روشهای سنجش فساد و شاخصهای آن
۲۶	۱-۳- مقدمه
۲۷	۲-۳- روشهای سنجش و اندازه گیری فساد
۳۶	۳-۳- شاخصهای بین المللی فساد
۳۷	۱-۳-۳- شاخص های ساده
۴۲	۲-۳-۳- شاخص های ترکیبی
۶۲	فصل چهارم: وضعیت فساد در جهان و ایران
۶۳	۱-۴- رشوه در نقاط مختلف جهان
۶۵	۲-۴- وضعیت فساد در نقاط مختلف جهان براساس شاخص ادراک فساد
۶۷	۳-۴- وضعیت فساد در نقاط مختلف جهان براساس شاخص کنترل فساد بانک جهانی
۶۹	۴-۴- وضعیت فساد در منطقه آسیای جنوب غربی

۷۷	۴-۵- نگاه‌های به وضعیت و پیشینه مبارزه با فساد در دوره تاریخ معاصر ایران.....
۷۷	۴-۵-۱- فساد مالی در عصر قاجار و رژیم پهلوی (دوران قبل از انقلاب اسلامی).....
۷۸	۴-۵-۲- پیشینه مبارزه با فساد در نظام اداری ایران.....
۸۲	فصل پنجم: حکمرانی خوب، فساد مالی، رشد و توسعه اقتصادی
۸۳	۵-۱- مقدمه.....
۸۵	۵-۲- تعریف حکمرانی خوب و شاخصهای آن.....
۸۷	۵-۳- نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و رشد اقتصادی.....
۹۰	۵-۴- مطالعات انجام گرفته در خصوص نقش حکمرانی خوب و کنترل فساد در توسعه اقتصادی.....
۹۴	فصل ششم: مروری بر مطالعات تجربی در زمینه پیامدهای کلان اقتصادی فساد
۹۵	۶-۱- مقدمه.....
۹۵	۶-۲- مطالعات تجربی اثرات فساد بر رشد اقتصادی.....
۹۹	۶-۳- اثرات فساد مالی بر نابرابری درآمدی.....
۱۰۰	۶-۴- اثرات فساد بر تجارت.....
۱۰۲	۶-۵- اثرات فساد مالی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.....
۱۰۶	۶-۶- مطالعات تجربی انجام گرفته در خصوص «اثرات فساد مالی بر بهره‌وری و کارایی».....
۱۰۸	۶-۷- نقدی بر مطالعات تجربی انجام گرفته در خصوص اثرگذاری فساد بر متغیرهای کلان اقتصادی.....
	فصل هفتم: مبانی و دیدگاههای نظری اثرات فساد بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی
۱۰۹	۷-۱- مقدمه.....
۱۱۰	۷-۲- مطالعات نظری ارتباط بین فساد مالی و رشد اقتصادی.....
۱۰۳	۷-۳- تبیین نظری «فساد زمینه‌ساز نابرابری درآمدی».....
	فصل هشتم: برآورد اقتصادسنجی اثرات فساد مالی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی
۱۲۶	۸-۱- مقدمه.....
۱۲۷	۸-۲- روش تخمین پانل دیتا.....
۱۲۷	۸-۲-۱- مزایای روش پانل دیتا.....
۱۲۸	۸-۲-۲- مدل کلی پانل دیتا.....

- ۸-۲-۳- روشهای تخمین مدل پانل دیتا.....۱۲۹
- ۸-۳- معرفی الگو، برآورد و تفسیر نتایج « بررسی اثرات کنترل فساد بر رشد اقتصادی».....۱۳۲
- ۸-۴- معرفی الگو، برآورد و تفسیر نتایج « بررسی اثرات کنترل فساد بر نابرابری درآمدی».....۱۳۸
- ۸-۵- معرفی الگو، برآورد و تفسیر نتایج الگوی اقتصادسنجی «اثرات فساد مالی بر جذب سرمایه گذاری خارجی».....۱۴۲
- فصل نهم: جمع بندی و توصیه های سیاستی**.....۱۴۶
- منابع و ماخذ**.....۱۵۳

مقدمه

فساد مالی یک پدیده پیچیده، چندبعدی و دارای علل و آثار و پیامدهای چندگانه است که در شرایط مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی پیدا می کند. بنا به اهمیت و نقش بارز معضل فساد در تاثیرگذاری بر حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، طی سالهای اخیر گرایش محققان به انجام مطالعاتی در خصوص نحوه سنجش و اندازه گیری، علل و پیامدهای خرد و کلان فساد مالی بیشتر شده است.

از سوی دیگر در مباحث اقتصادی دو مقوله رشد و توزیع درآمد همواره مورد بررسی و تحلیل اقتصاددانان قرار گرفته و با گذشت زمان عوامل توضیح کننده و اثرگذار بر این دو پدیده تکمیل تر شده است. در خصوص رشد اقتصادی، از نقش سرمایه و نیروی کار به عنوان مهمترین عوامل تبیین کننده رشد آغاز شده و بتدریج طی مطالعاتی با ورود عواملی دیگر همچون سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، بهداشت، فناوری اطلاعات و ارتباطات و ... کامل تر شده است. در ضمن، در بحث های نابرابری درآمدی نیز عوامل اثرگذار بر این مقوله با گذشت زمان کامل تر شده اند و عوامل جدیدی به حوزه توزیع درآمد افزوده شده است. در کل مشاهدات چشمگیر در عملکرد بلندمدت کشورها از حیث تفاوت فاحش در نرخ رشد اقتصادی و برابری درآمدی، لزوم بازنگری در نظریه های موجود را طلب می کند. بنابراین آنچه در سالهای اخیر در محافل علمی مطرح شده است، نقش عامل فساد مالی و اقتصادی در مدل های رشد و نابرابری درآمدی است.

۱-۱- تعریف مسئله

فساد مالی و اقتصادی عارضه ای است که اغلب از کنش متقابل دولت و اقتصاد بازار سرچشمه می گیرد، بویژه اگر خود دولت نیز به ناچار نقشی درون زا برعهده داشته باشد. نمودهای عینی فساد مالی و اقتصادی تا حدود زیادی پیچیده، چندوجهی و دارای شکل ها و شیوه های متفاوت است. عارضه فساد مالی از فعل ساده پرداخت غیرقانونی به یک کارمند دولت تا ناکارکردی فراگیر یک نظام سیاسی یا اقتصادی را در برمی گیرد. فساد مالی و اقتصادی هم به عنوان یک مشکل ساختاری سیاسی یا اقتصادی، و هم به عنوان یک معضل اخلاقی یا تربیتی فردی قابل تامل است. با وجود تعاریف بی شماری که از فساد مالی ارائه شده، بانک جهانی فساد را سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی تعریف کرده است.

به رغم پیچیدگی، دشواری و حساسیت سروکار یافتن با این عارضه که دامنه آن بسیار وسیع بوده و از یک عمل فردی (مانند رشوه) تا یک سوء عمل فراگیر که تمام ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرد، در سالهای اخیر شاهد مطالعات گسترده ای در بیان علل ارتکاب چنین فعالیت مجرمانه و ارائه راهکارهای بازدارنده، علل و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این معضل و نیز ارائه برنامه های مقابله با فساد از سوی مجامع بین المللی هستیم.

بطور کلی فساد مالی و اقتصادی ریشه در فعالیت های دولت، بویژه قدرت انحصاری و نفوذ و اختیارات آن دارد. بطوری که گری بکر^۱ برنده جایزه نوبل اقتصاد می گوید: «در صورت حذف دولت، فساد مالی و اقتصادی نیز از بین می رود». با پذیرش وجود دولت در اداره جامعه، نکته مهم این است که آرمان هر دولت، افزایش رفاه و توسعه اقتصادی است که لازمه آن نیز بهبود درآمد سرانه و رشد اقتصادی است. در ضمن، کاهش شکاف و نابرابری های درآمدی نیز وظیفه انکارناپذیر و رسالت اصلی دولت ها بوده و تحقق عدالت در جامعه جزء لاینفک ماموریت و رسالت هر حاکمیتی است. از این رو، مروری بر فرایند توسعه اقتصادی بیانگر این موضوع است که اولین متون مدون علم اقتصاد بدنبال آرزوی انباشت ثروت، تجارت طلا- کالا را ابزاری برای تحقق این آمال انتخاب می کنند، سپس نقش عامل سرمایه در رشد اقتصادی و انباشت ثروت بر ادبیات اقتصادی حاکم می گردد و به مرور عامل نیروی انسانی و در بعدی فراتر از آن، سرمایه انسانی و نیروی کار دانش مدار در الگوهای رشد اقتصادی معرفی می گردند (لوکاس، ۱۹۷۰). با این حال، تفاوت و شکاف موجود بین درآمد سرانه بین کشورها موجب معرفی عوامل اثرگذار دیگری در رشد می گردد. بطوریکه ادبیات اقتصادی دهه های اخیر بر سرمایه اجتماعی به عنوان عامل متوازن کننده شکاف درآمد سرانه بین کشورها اشاره می نماید. علیرغم نقش اثرگذار این عوامل در الگوهای رشد اعم از برونزا و درونزا شاهد تداوم مطالعات در مجامع علمی بین المللی هستیم، بطوریکه در سالهای اخیر بویژه از سال ۱۹۹۶ به بعد مطالعات گسترده ای از سوی بانک جهانی و سازمان ملل متحد در خصوص تفاوت درآمد سرانه و رفاه بین کشوری صورت گرفته و نتایج مطالعات متفق القول بر نقش اثرگذار فساد بر رشد اقتصادی حکایت می کنند. حتی سازمان ملل به عنوان مرجعی در کاهش فقر و نابرابری بر نقش این عارضه در گسترش نابرابری های درآمدی بین کشورها نیز اشاره می کند و مطالعات چندی در این خصوص انجام داده است.

با مقدمه ای گذرا از تحولات اخیر در مطالعات حاکم بر رشد و نابرابری و تبیین اهمیت و اثرگذاری عامل فساد در توجیه شکاف درآمدی و افزایش نابرابری بین کشورها، می باید به این مهم اشاره داشت که کشور ایران همسو با تحولات جهانی و منطقه ای، چشم اندازی را در افق ۲۰ ساله برگزیده تا در سال ۱۴۰۴ ه.ش (۲۰۲۵ میلادی) به کشوری توسعه یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام همراه با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل مبدل گردد. بدون شک دستیابی به جایگاه اول اقتصادی منطقه در افق ۲۰ ساله با گستره بالای فساد و سوء جریانات مالی و اقتصادی همخوانی نداشته و می طلبد دولت عزم جدی در مبارزه با این معضل شوم بردارد. لذا کشوری که آرمان خود را دستیابی به اول اقتصادی منطقه ذکر نموده، نمی تواند بدون کاهش فساد به این چشم انداز برسد. از سوی دیگر، در ترسیم ویژگیهای جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ ه.ش، جامعه ای به دور از هرگونه نابرابری درآمدی عنوان شده که همین موضوع نیز با وجود فساد در جامعه منافات دارد.

۱ - Gary Becker

۲-۱- سئوالات و فرضیه های تحقیق

با توجه به اینکه رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی از متغیرهای مهم و کلان هر کشوری محسوب می گردند و لزوم تبیین علل اثرگذار بر این دو متغیر کلان اقتصادی حائز اهمیت است، از این رو کلیات مطالعه حاضر به تبیین ارتباط نظری و تجربی بین فساد با نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی استوار گشته، و بدنبال پاسخ به سئوالات و فروض زیر است:

سئوالات تحقیق:

۱- نقش و تاثیرگذاری فساد مالی بر رشد اقتصادی به چه نحوی است؟

۲- اثرات فساد بر نابرابری درآمدی چگونه است؟

فرضیات تحقیق:

۱- فساد مالی عامل بازدارنده رشد اقتصادی است.

۲- فساد مالی منجر به افزایش نابرابری درآمدی در جامعه می گردد.

۳-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

نگاهی به بیانیه چشم انداز نظام مشخص می سازد که سند چشم انداز در واقع رهیافتی استراتژیک در مباحث اقتصادی و برنامه ریزی کشور است که ایران ۱۴۰۴ را ایران توسعه یافته، فعال و تأثیرگذار در اقتصاد جهانی معرفی می کند. درضمن، از جمله وجوه سند چشم انداز که مبین جامعیت آن می باشد همراهی رشد و عدالت با یکدیگر می باشند که از آن می توان با عنوان توسعه عدالت محور یاد کرد. روح حاکم بر برنامه چشم انداز رسیدن به رشد و رونق و ترقی همراه با حفظ معنویات و رشد کمالات انسانی و تحقق عدالت و فرصتهای برابر برای همگان است. به عبارت دیگر، در بعد مادی، برنامه ۲۰ ساله بر آن است تا عدالت - برابری - و رشد را باهم محقق سازد. لذا به صراحت می توان ادعان داشت که تحقق چنین چشم اندازی برای نظام تنها از مسیر ریشه کنی فساد - مقابله با فساد و سوءجریانهای مالی و اقتصادی - امکان پذیر است. هدف اصلی حاکم بر تحقیق نیز بر همین موضوع استوار بوده و بدنبال تبیین وجود ارتباط محکم و اثرگذار بین این سه عامل - رشد، نابرابری و فساد - است.

۴-۱- روش انجام تحقیق

روش انجام تحقیق بصورت کتابخانه ای و توصیفی و آماری با بهره گیری از برآوردهای اقتصادسنجی خواهد بود. بطوریکه با مروری بر مقوله جرم شناسی اقتصادی و استنباط مفهوم فساد از مقوله جرم، مطالعات تطبیقی براساس روش کتابخانه ای از ویژگیها، علل و ریشهها و ابزارهای فساد مالی و اقتصادی انجام خواهد شد. سپس به روش کتابخانه ای و توصیفی، روشهای سنجش و شاخصهای بیانگر میزان فساد در جهان و نمونه ای منتخب از کشورها تبیین و توصیف خواهند شد. در ادامه با مروری بر مطالعات تجربی و نیز الگوها و مدل های تئوریک بین حکمرانی خوب و فساد با رشد و نابرابری درآمدی، سعی

خواهد شد نحوه اثرگذاری و ارتباط این مقوله ها تبیین شوند. در فصل پایانی نیز با توجه به مطالعات تجربی و نظری و جهت آزمون تجربی فرضیه‌های تحقیق، الگوهای موردنظر را تصریح نموده و به روش اقتصادسنجی - روش پانل - به برآورد مدل‌های تصریحی یعنی معادله نابرابری درآمدی و معادله رشد اقتصادی پرداخته خواهد شد.

۵-۱- جامعه آماری

آمارها و اطلاعات از منابع رسمی و مراجع بین المللی نظیر بانک جهانی، سازمان ملل، سازمان بین المللی شفافیت و *Business International Corporation* استخراج خواهند شد. دامنه زمانی و مقطعی بترتیب دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶ و کشورهای منتخب منطقه (کشورهای آسیای جنوب غربی) را پوشش خواهد داد.

نمونه مورد بررسی: آسیای جنوب غربی شامل کشورهای ذیل می باشد:

- ۱-ایران ۲- قزاقستان ۳- عربستان ۴- پاکستان ۵- ترکیه ۶- افغانستان ۷- یمن ۸- ترکمنستان
- ۹- ازبکستان ۱۰- عراق ۱۱- عمان ۱۲- قرقیزستان ۱۳- سوریه ۱۴- تاجیکستان ۱۵- اردن
- ۱۶- آذربایجان ۱۷- امارات متحده عربی ۱۸- گرجستان ۱۹- ارمنستان ۲۰- فلسطین ۲۱- کویت
- ۲۲- قطر ۲۳- لبنان ۲۴- بحرین

**مروری بر مفاهیم، علل و
پیامدهای فساد مالی**

فساد عارضه‌ای است که اغلب از کنش متقابل دولت و اقتصاد بازار سرچشمه می‌گیرد، بویژه اگر خود دولت نیز به ناچار نقشی درون‌زا برعهده داشته باشد. در اکثر مباحثی که فساد^۱ را به عنوان یک رابطه خاص حکومت-جامعه تعریف می‌کند، نقش حکومت کاملاً آشکار است. فساد بطور متعارف، رفتار نفع طلبانه شخصی است که به عنوان یک مامور یا مقام دولتی عمل می‌کند. همچنین تعریف کارکردی فساد که توسط بانک جهانی، سازمان بین‌المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارائه شده، عبارت است از «سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی» (بانک جهانی، ۲۰۰۴)^۲. تعریف دیگری نیز توسط برخی پژوهشگران ارائه شده است که مقرر می‌دارد فساد معامله‌ای بین بازیگران بخش خصوصی و دولتی است که از طریق آن، کالاهای عمومی بطور نامشروع به سودها و منافع خصوصی تبدیل می‌شود. با این حال، نمودهای عینی فساد تا حدود زیادی پیچیده، چندوجهی و دارای شکل‌ها و شیوه‌های متفاوت است، به گونه‌ای که عارضه فساد از فعل ساده پرداخت غیرقانونی به یک کارمند دولت تا ناکارکردی فراگیر یک نظام سیاسی یا اقتصادی را در برمی‌گیرد. براساس همین گستردگی مفهوم و نیز پنهان کاری در ارتکاب به فساد است که موجب گردیده تعیین حجم و اندازه و معیار مشخص و واضح برای سنجش فساد جامعه بسیار مشکل باشد. با این حال، به رغم پیچیدگی، دشواری و حساسیت سروکار یافتن با این عارضه، در سالهای اخیر شاهد مطالعات گسترده‌ای درباره این معضل از سوی کشورها و مجامع بین‌المللی هستیم.

با توجه به مطالعات موجود مشاهده می‌گردد که مطالعات و ادبیات مربوطه به فساد در سه بعد کلی؛ سنجش و اندازه‌گیری فساد، عوامل اثرگذار بر کنترل فساد در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ... و بالاخره پیامدهای مختلف فساد مالی متمرکز شده‌اند. در واقع، با تبیین و شناخت آمار و حجم فساد در کشورها، گام بعدی بررسی و تبیین علل و پیامدهای این معضل روبه‌تزايد است. علی‌رغم گرایش چشم‌گیر به حوزه مطالعات مربوط به فساد باید اذعان داشت که ورود به بررسی و مطالعه در هر سه بعد فوق‌الذکر تا حدودی بکر و نیازمند مطالعات و بررسیهای متعددی است. در ضمن در هر سه بعد، پیچیدگی‌های زیادی برای بررسی دقیق و عمیق وجود دارد. در بعد نحوه سنجش و اندازه‌گیری و ساخت شاخصهای دقیق برآورده‌کننده حجم و میزان فساد به دلیل ماهیت این مقوله بسیار مشکل است، چراکه این شاخه از علم که عمدتاً در حوزه جرم‌شناسی و اقتصاد سیاسی قابل تحلیل است، ماهیت بررسی موشکافانه آن را مشکل ساخته و عدم شفافیت، فرار از ارائه واقعیت‌ها و پنهان کاری‌ها و وجود گروههای سازمان‌یافته و رانت‌های مختلف در نهادهای حکومتی و بین‌مقامات و مسئولان عالی‌رتبه کشورها موجب گردیده ورود به این حوزه دشوار گردد.

^۱- Corruption

^۲ - World Bank, 2004

همانگونه که اشاره شد فساد گذشته از آن که از نظر اخلاقی ناپسند است، بیشتر به آن علت که سبب بروز بسیاری ناکارآمدی‌ها و دشواری‌ها برای تحول و توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌شود به کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان، متخصصان علوم سیاسی و محققان علوم اداری تبدیل شده است. اگرچه مباحث نظری و تجربی دربارهٔ رانت و فساد در دههٔ ۱۹۵۰ شکل جدی به خود گرفته، لیکن از دهه ۱۹۷۰ اولین آثار نظری و بررسی‌های تجربی دربارهٔ فساد ارائه شدند و از آن زمان به بعد یکی از اصلی‌ترین مباحث در زمینه دولت، حکمرانی و توسعه بوده است و همانطور که گفته شد عمده تحقیقات دربارهٔ فساد نیز بر چند مسأله متمرکز شده است: سنجش فساد، علل بروز، پیامدها و راهبردهای مقابله و کنترل فساد.

همچنین بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که پدیده فساد بیش از همه در میان کشورهای فقیر و در حال توسعه رواج دارد و مانعی عمده بر سر راه توسعه در این کشورهاست (بانک جهانی، ۲۰۰۰). کشور ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه قلمداد شده و به لحاظ مشخصاتی که برای کشورهای مستعد فساد برشمرده شده، در زمره محیط‌های مناسب برای بروز فساد است. لذا به میزانی که توسعه فعالیت‌های اقتصادی در کشور صورت می‌گیرد، در صورتیکه تمهیدات لازم برای مبارزه با فساد اندیشیده نشود، زمینه‌های بروز فساد تقویت خواهد شد و به تبع همین امر شاهد کاهش رشد و توسعه اقتصادی خواهیم بود. از همین رو لازم است تا پژوهش دربارهٔ جوانب و ابعاد مختلف فساد در ایران جدی تلقی شود.

با توجه به مفهوم فساد آنهم از رویکرد اقتصادی و تحلیل‌های اقتصاد سیاسی و جرم‌شناسی اقتصادی، این شاخه نسبتاً بدیع بوده و مطالعات چندانی انجام نگرفته و در حال حاضر به عنوان شاخه‌ای نو در ادبیات علم اقتصاد مطرح است، لذا در فصل حاضر سعی می‌گردد ابتدا تاریخچه تحلیل‌های اقتصاد جرم با محوریت فساد بیان شود. مفهوم فساد، ابزارها و گونه‌های فساد بخش بعدی را پوشش خواهد داد. در بخش چهارم مروری اجمالی بر علل و پیامدهای مختلف اقتصادی فساد مالی خواهیم داشت. در بخش پنجم نیز به روشهای مختلف سنجش فساد اشاره شده و براین اساس نیز شاخص‌های موجود فساد توسط موسسات و نهادهای مختلف بین‌المللی تشریح خواهند شد و با توجه به اینکه نمونه مورد بررسی جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق منطقه آسیای جنوب غربی است، در بخش ششم این فصل ضمن تبیین جایگاه این منطقه در اقتصاد جهانی، رتبه و جایگاه فساد کشورهای منطقه با تاکید بر ایران در بین کشورهای جهان مشخص خواهد شد.

۲-۲- تاریخچه تحلیل‌های اقتصادی فساد

اساساً فساد در حوزه ادبیات مربوط به جرم قرار داشته و هم از نظر اخلاقی و هم از نظر قوانین جامعه (اقتصادی و اجتماعی) رفتاری مذموم می‌باشد. نگاهی موشکافانه به مقوله فساد مشخص می‌کند که این مفهوم بخشی از ادبیات گسترده مرتبط با جرم محسوب می‌گردد که با توسعه مطالعات جرم از جنبه‌های مختلف، ادبیات فساد نیز توسعه پیدا کرده است. تحقیقات جرم‌شناسی سابقه طولانی دارد، به گونه‌ای که می‌توان گفت که جرم‌شناسی نیز مانند سایر رشته‌های علمی با عقاید مختلف شروع و با پیشرفت

سایر علوم سیر تکاملی تدریجی داشته است. بررسی تاریخچه مختصر جرم‌شناسی در دوران قبل از شروع تحقیقات علمی و سرآغاز پژوهش‌های علمی مبین این سیر تحول بوده است.

افرادی چون سقراط (۳۹۹-۴۷۰ قبل از میلاد)، افلاطون (۳۴۷-۴۲۸ قبل از میلاد) و ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ قبل از میلاد) و جالینوس (۱۳۰-۲۰۰ قبل از میلاد) در تشریح علل وقوع جرایم کارهایی را انجام داده بودند. پس از آن با اینکه در طی قرون وسطی (از ۳۹۵ تا ۱۴۵۳ میلادی) تحقیقات علمی درباره شناسایی علل وقوع جرایم متوقف و اوهام و جادوگری ایجاد شد لکن فلاسفه با مبارزه با جادوگری و اوهام، افکار عمومی را برای پذیرش عقاید علمی آماده ساختند که معروفترین آنها عبارتند از جان ویر^۱ (۱۵۸۸-۱۵۱۵ میلادی)، اسکات^۲ (۱۵۹۹-۱۵۳۸) و توماس مورس^۳ (۱۴۷۸-۱۵۳۵).

اما تحقیقات علمی در جرم‌شناسی با بررسی در رشته‌های مختلف علمی از جمله مردم‌شناسی جنایی، روانشناسی و روان پزشکی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و کیفرشناسی و علم زندانها بدون هماهنگی باهم آغاز و سپس منجر به پایه‌گذاری علم جدید جرم‌شناسی گردید. با این حال، اصطلاح علمی «جرم‌شناسی» را برای اولین بار توپینارد^۴ دانشمند فرانسوی در کتاب خود که در سال ۱۸۷۹ منتشر نمود به کار برد. در سلا ۱۸۸۵، گاروفالو قاضی ایتالیایی برای اولین بار کتابی را تحت عنوان «جرم‌شناسی» منتشر کرد ولی در کتاب مذکور تعریف جامع و کاملی از جرم‌شناسی بعمل نیامده است. بعداً نیز دانشمندان هریک از دیدگاه رشته تخصصی خود از قبیل زیست‌شناسی، روانشناسی، روان پزشکی، پزشکی، جامعه‌شناسی و اقتصاد تعاریف گوناگونی از جرم‌شناسی ارائه کردند.

با توسعه مطالعات جرم‌شناسی در ابعاد مختلف، تحقیقات بر روی شاخه‌های مختلف ادبیات جرم نیز گسترش چشمگیری یافت که از جمله شاخه‌های جرم‌شناسی مقوله فساد، بررسی علل و پیامدهای اقتصادی فساد می‌باشد که به آن علت که سبب بروز بسیاری ناکارآمدی‌ها و دشواری‌ها برای تحول و توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌شود، ضرورت بررسی را دارد.

برای تبیین کلی فساد از دیدگاه اقتصادی باید گفت که طرفداران اصالت سود که به هر امری از دیده سودمندی می‌نگرند، جرم را نیز منظر اقتصادی مورد توجه قرار داده‌اند. تئوریسین‌های بزرگ جنایی نیمه دوم سده هیجدهم «بکاریا» و «بنتام» به سودمندی جرایم معتقد بودند. اما نظر به فقدان داده‌های تجربی و عدم استفاده از روشهای علمی برای بررسی چنین داده‌هایی، تجزیه و تحلیل آنها صرفاً نظری بوده است. مطالعات در مورد اقتصاد جرم به تاریخ ۱۸۲۹ برمی‌گردد که اولین بار فردی بنام «ادوین چادویک»^۵ به مطالعه جرم از دیدگاه اقتصادی پرداخت. پس از وی «بکر»^۶ (۱۹۶۸) و «استیگلر»^۷

^۱ John wayer

^۲ Scott

^۳ Themas Moruse

^۴ Topinard

^۵ - Edwin Chadwick

^۶ - Gary.S.Becker

^۷ - Stigler

(۱۹۷۰) و «ارلیک»^۱ (۱۹۷۳) و «رونالدز»^۲ (۱۹۸۰) مطالعات اولیه را کاملتر کردند و این افراد با استفاده از علم اقتصاد، مجموعه‌ای از وسایل علمی و فنی در اختیار اقتصاددانان معاصر قرار داده‌اند تا بتوانند تئوریهای حقیقی اقتصاد جنایت را که مبتنی بر سودمندی فعالیت مجرمانه برای مجرم است تهیه کنند. در این میان ابتکار توسل به توضیح اقتصادی جنایت از آن اقتصاددان امریکایی بنام، «گری بکر»^۳ می‌باشد. بکر برنده جایزه نوبل اقتصاد، در یکی از ستون‌های اقتصادی نشریه اکونومیست می‌گوید: «در صورت حذف دولت، فساد نیز از بین می‌رود». با نگاهی به این نظریه بکر و سایر مطالعات این اندیشمند در حوزه اقتصادی جرم مشاهده می‌گردد که وی ریشه فساد را در فعالیت‌های دولت، بویژه قدرت انحصاری و نفوذ و اختیارات آن می‌داند و بهمین دلیل سعی می‌کند اقتصاد دولتی و سیاستهای اقتصادی فراروی دولت را محور بررسی‌های روبه‌تزايد فساد قرار دهد و ارتباط تنگاتنگ دولت و سیاستهای کلان اقتصادی دولت را با کنترل فساد پیوند بزند. در پی مطالعات بکر، آثار متعددی در این زمینه به چاپ رسیده است و به گسترش نظریه مذکور کمک کرده است که در این میان می‌توان به نظریه‌های مطرح شده در خصوص تمرکززدایی و فساد، آزادسازی و فساد، اندازه بهینه دولت و فساد و تئوری رشد و توسعه اقتصادی با فساد اشاره نمود که در دهه‌های اخیر برحجم این مطالعات روزبه‌روز افزوده می‌گردد.

۲-۳- اقتصاد اخلاقی و فساد

نگاهی به تاریخچه فعالیت‌های اقتصادی و ظهور مکاتب اقتصادی نشان از این دارد که علم اخلاق همواره در کنار اقتصاد قرار داشته و کم و بیش به این حوزه نیز در اقتصاد توجه شده است. در واقع باید اذعان داشت که زادگاه اقتصاد علم اخلاق است و اولین اقتصاددان شناخته شده «آدام اسمیت» استاد اخلاق بوده و فیلسوف اخلاق نامیده می‌شود. لذا کاملاً مشخص است که اقتصاد بازار و دست‌نمائی دولت که مبدع آن آدام اسمیت است، طبیعتاً نقش اخلاق را در این نظام مشخص نموده است و اشاره داشته که اقتصاد بازار باید اخلاق را در کنار خود داشته باشد تا از انحرافات جدی در عالم اقتصاد جلوگیری گردد.

نگرش عمقی به علم اقتصاد نشان می‌دهد که اخلاق در درون اقتصاد گنجانده شده است. علم اقتصاد دارای دووجه است، اولی مربوط به شناخت انسان آنگونه که است و شناخت نهادهایی که از کارکردها و کنش‌ها و واکنش‌های انسان ایجاد می‌گردد مانند بازارها و نهادهایی چون بنگاه، قانون، پول، خانواده و حکومت و غیره؛ و دیگری مربوط به سازوکارهایی است که بصورت خط‌مشی و روش مطرح می‌شوند برای رفع کاستی‌های این رفتار و مراوده به منظور نیل به بهینگی و افزایش رفاه اجتماعی مانند قوانین ضدانحصار، روشهای جلوگیری از کژمنشی و گزگزینی، سیاستهای رفاهی، روشهای مقابله با فقر، حفظ

1- Ehrlich

2- Ranalds

3 - Gary Becker

حقوق مصرف کننده و غیره. اساساً توجه پایه ای علم اقتصاد بهینه کردن تولید و مصرف و بیشینه نمودن رفاه است و نمی توان آموزه های اقتصادی را در تضاد با اخلاق دانست. حمایت از حق مالکیت، ناکارآمد شمردن ترتیب های انحصاری، قیمت گذاری منطقی و نظایر این مفاهیم نشان می دهند که اقتصاد در درون خود همواره سعی نموده اخلاق را به جامعه تجویز نماید. حتی مشاهده می شود بسیاری از فیلسوفان مشهور اخلاق معاصر همچون جان رالز نیز توجه عمده خود را به اقتصاد معطوف داشته اند. لذا اقتصاد کاملاً مبتنی بر اخلاقیات تعریف شده دقیق و قابل سنجشی است.

حال اگر اقتصاد بر پایه همان اصول پایه ریزی خود پیاده شود مشخص است که اخلاقیات را نیز در پی خواهد داشت. ولی آنچه مشاهده می گردد این است که انحراف از اصول علم اقتصاد وجود دارد. هرگونه انحرافی موجبات بی اخلاقی را دامن خواهد زد. از جمله این بی اخلاقی ها در عالم اقتصاد نیز ظهور و گسترش فساد و رانت است. شاید اولین دلیل توجیه گسترش این معضل، تشکیل شبکه های انحصار دولتی و خصوصی باشد که علم اقتصاد نیز بر همین اساس و در رعایت اخلاق، قانون ضد انحصار را تأکید دارد و تئوری های اقتصاد آزاد و رقابت پذیر را تجویز می کند. مشخص است که دوری از اقتصاد رقابت پذیر موجب تشکیل شبکه های رانتی و انحصاری خواهد شد که لطمات آن را نیز سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی و متاقباً عموم مردم جامعه خواهند داد.

علت دیگری که در گسترش پدیده فساد بدلیل عدم رعایت مبانی اخلاق در اقتصاد می توان اشاره نمود افزایش تبعیض و نابرابری ها در جامعه است. تبعیض در فرایند انجام فعالیتهای تجاری و اقتصادی از مصادیق بارز بی اخلاقی در عالم اقتصاد است و از دلایل وجود تبعیض نیز می توان به منفعت گرایی، آشنابازی و پارتی بازی، رانت جویی و غیره اشاره داشت.

لذا می توان دلایل متعددی را در گسترش فساد برشمرد که حاصل زیرپا گذاشتن اخلاق در اقتصاد است که در بالا به دو مورد مهم اشاره شد و شاید منفعت گرایی محض، عدم احترام به مالکیت ها، پیروی از رفاه شخصی بدون توجه به رفاه اجتماعی و ... از دیگر موارد عدم رعایت اخلاق در جامعه هستند که موجبات گسترش فساد را فراهم می آورند. لذا می توان به صراحت به این موضوع پرداخت که گسترش فساد با بی اخلاقی گره خورده و رعایت و تجویز اصول اخلاقی در اقتصاد راهکار کنترل و ریشه کنی فساد تلقی می گردد و تاریخچه علم اقتصاد نیز از دیرباز بر این اصل مهم تأکید داشته است.

۲-۴- مفهوم فساد (تعریف، ابزارهای فساد مالی و گونه های مختلف آن)

۲-۴-۱- تعریف فساد

کلمه فساد (*corruption*) از ریشه لاتینی (*rumpere*) به معنی شکستن یا نقض کردن است و آنچه که شکسته یا نقض می شود می تواند یک شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری باشد.^۱

۱. تانزی ویتو، "مسأله فساد، فعالیتهای دولتی و آزاد"، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۵۰-۱۴۹.

در لغت فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: تباهی، به ستم مال کسی را گرفتن، شرارت و بدکاری، عمل ناشایست و زشت، فسق و فجور، دشمنی و کینه و فتنه و آشوب ذکر شده است.^۱

از دید منتسکیو "فساد یک سامانه سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می‌کند. از نظر وی در حکومت مشروطه نیازی به روی آوردن به فساد نیست. اما در حکومت استبدادی که شرافت و تقوی وجود ندارد، نمی‌توان به انجام هیچ کاری بدون استفاده مفسدانه امید داشت." فساد، متضمن تخطی از وظایف اجتماعی یا انحراف از معیارهای اخلاقی عالی در ازای (یا به امید) سود مادی شخصی، قدرت و یا شهرت است. چنین کرداری ممکن است غیرقانونی باشد یا بدون اینکه از قانون تخطی شود ممکن است انحراف از معیارهای اخلاقی به شمار آید.

با توجه به تعاریف مختلف به عمل آمده در مجموع می‌توان فساد مالی و اقتصادی را «سوء استفاده از مقام، منصب، موقعیت و اختیارات و قوانین و مقررات در جهت منافع شخصی، گروهی، حزبی، قومی و قبیله ای خاص» تعریف نمود. به عبارت ساده تر، فساد مالی عبارت از عدم رعایت عمدی ضوابط و اصل بی طرفی از سوی مقامات دولتی است که با نیت بهره مندی از مزیتی برای خویش و افراد وابسته به خود صورت می‌گیرد. البته سوء استفاده و شرایط و نحوه آن در کشورهای مختلف فرق می‌کند و آداب و قوانین نیز همواره با یکدیگر همخوانی ندارند. با این همه در سرتاسر جهان و در تمام طول تاریخ مردم در شناسایی برخی از رفتارها به منزله فساد اتفاق نظر دارند.

همچنین باید اشاره نمود که فساد مالی می‌تواند به گونه ای باشد که دو گروه یا دونهفر با مشارکت یکدیگر در انجام آن دخالت داشته باشند- مثل رشوه خواری و اخاذی- یا اینکه توسط یک مقام دولتی به تنهایی صورت بگیرد - مثل اختلاس. از این تعریف نباید چنین برداشت کرد که فساد مالی منحصر به بخش دولتی است، بلکه در فعالیتهای بخش خصوصی نیز فساد وجود دارد. وجود فساد مالی را می‌توان بویژه در شرکتهای بزرگ خصوصی به وضوح مشاهده کرد. بنابراین فساد مالی در هر بخشی اعم از خصوصی یا دولتی می‌تواند وجود داشته باشد. دانستن این موضوع کمک می‌کند تا بتوان از اندیشه های کلیشه ای اجتناب کرد. با وجود این، فساد در بسیاری از تعاریف تا حدود زیادی در بخش دولتی متمرکز شده است. در واقع می‌توان گفت که فساد امری نسبی و مرتبط با نظام ارزش‌های یک جامعه است و بیش از بخش خصوصی در دستگاه دولتی مطرح می‌گردد.^۲

۲-۴-۲- ابزارهای فساد مالی

مفاسد مالی و اقتصادی با استفاده از ابزارهای مختلفی صورت می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به

موارد زیر اشاره نمود:

۱- قوانین و مقررات: شاید بتوان گفت که عمده‌ترین ابزار فساد مالی و اقتصادی، سوء استفاده از قوانین نامناسب موجود، عدم وجود قوانین و مقررات در پاره‌ای موارد، و روشن و شفاف نبودن بسیاری از

۱. زاهدی، شمس السادات، ۱۳۷۵

۲ - رهبر، فرهاد و دیگران، ۱۳۸۱

قوانین و مقررات می‌باشد. مقررات صدور مجوزهای مختلف، مقررات تعیین محدوده، و مقرراتی که ارزش اقتصادی زیادی بر آنها مترتب است و مقرراتی که بسیاری از هزینه‌ها و اعتبارات را از شمول قانون محاسبات عمومی خارج می‌سازد، از این جمله هستند.

۲- جریمه‌ها: جریمه‌های نقض احتمالی یا عملی قواعد حقوقی موجود (مانند قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین ساختمان‌سازی در شهرداری و قوانین حفظ محیط زیست در واحدهای صنعتی).

۳- کنترل بر قراردادهای خرید: بسیاری از وزارتخانه‌ها و دستگاههای اجرایی با توجه به ماهیت کار خود و روال طولانی کار در گذشته مستقیماً با شرکتهای خارجی و داخلی قراردادهای هنگفت خرید منعقد می‌کنند. خرید کالاهای اساسی در حجم زیاد، خرید نیروگاهها، پالایشگاهها و تجهیزات آنها، خرید تجهیزات صنعتی در شرکتهای دولتی از این جمله هستند که کنترل و یا انعقاد آنها توسط مأموران دولتی می‌تواند بعنوان ابزاری برای ارتکاب فساد مورد سوء استفاده قرار بگیرد. تبانی بین خریدار و فروشنده به روش‌های مختلف برای دریافت پورسانت و رشوه نیز با استفاده از این ابزار صورت می‌گیرد.

۴- کنترل بر قراردادهای سرمایه‌گذاری دولتی: تشخیص و انتخاب پیمانکاران طرح‌های بزرگ عمرانی و زیربنایی (مانند احداث جاده، فرودگاه، پل و ...) که از اختیارات کارکنان دولتی است، می‌تواند به گونه‌ای صورت گیرد که به نفع پیمانکاران خاصی تمام شود و یا باعث سوق دادن اعتبارات به سوی بعضی مناطق خاص گردد

۵- برنامه انگیزشی مالیاتی و اعتباری: برنامه‌های مربوط به ایجاد انگیزه‌های مالیاتی، اعتبارات ارزان قیمت (با بهره کم)، ارز خارجی با نرخ‌های ترجیحی، اعطای سوپسیدها به تولید و مواد اولیه و سوخت، وام‌های بانکی کم بهره برای موارد خاص، قیمت‌گذاری بر کالاهای وارداتی یا صادراتی یا مشوقها و جوایز صادراتی.

۶- کنترل بر استخدام: کنترل بر استخدام و ترفیع که گاه به خرید و فروش مشاغل نیز منجر می‌شود.

۷- کنترل مزایا: کنترل بر تخصیص مزایا (مانند مستمری بازنشستگی یا از کار افتادگی، بورس‌ها و کمکها).

۸- نحوه ارائه خدمات دولتی: کنترل بر دسترسی به خدمات دولتی (مانند آب و برق و تلفن) زیر قیمت معمول.

۹- تصمیم‌گیریهایی مربوط به امور مالیاتی: مانند حسابرسی، تعیین و برآورد درآمد، تشخیص و غیره^۱.

شایان ذکر است که هر قدر حوزه استفاده از این ابزارها در کشور وسیع‌تر باشد، احتمال بروز فساد نیز بیشتر خواهد بود.

^۱ مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، ج ۱، صص ۲۹-۲۵

۲-۴-۳- گونه‌های فساد مالی

مروری بر مطالعات و ادبیات فساد مالی نشانگر این است که فساد انواع و اشکال مختلفی را دارد. در این بخش بصورت اجمالی به طبقه بندی انواع فساد مالی اشاره می‌گردد:

• رشوه

رشوه و رشوه‌خواری یکی از رایج‌ترین و گسترده‌ترین انواع مفاصد مالی و اقتصادی بوده و در واقع جوهره اصلی فساد مالی است که در سطح بین‌المللی به شدت رواج دارد و علاوه بر وارد نمودن زیانهای شدید بر اقتصادهای ملی، اقتصاد و تجارت بین‌المللی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده است. بطوریکه در حال حاضر، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، رشوه را از مهمترین مخاطرات و موانع جدی اعتماد و اطمینان بین‌المللی در مبادلات دانسته و در پی مبارزه با آن هستند. پرداخت رشوه معمولاً به منظور دستیابی به اهدافی از قبیل تسهیل در اجرای قوانین، تسریع در انجام امور قانونی، فرار از قانون، دسترسی غیرقانونی به منابع درآمد و جعل اسناد و مدارک صورت می‌گیرد. بطور کلی انگیزه‌ها و عواملی که موجب شیوع و گسترش رشوه‌خواری در جامعه می‌شود عبارتند از: الف - تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی ب - ضعف اعتقادات دینی ج - عدم پایبندی به قانون

• اختلاس

اختلاس بعنوان یکی از مصادیق بارز فساد مالی و اقتصادی از نظر لغوی به معنای ربودن، دستبرد زدن و دست‌اندازی به مال دیگران می‌باشد و از نظر حقوقی به شکل خاصی از تصرف و دست‌اندازی بر مال دیگران اطلاق می‌شود و عبارتست از اینکه با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصت مناسب چیزی را بردارند.^۱ در واقع، بصورت شفاف اختلاس عبارت از برداشت یا سوء استفاده از منابع عمومی و دولتی توسط اشخاصی که مدیریت این منابع به دست آنها سپرده شده است اطلاق می‌گردد. از این رو، از دیدگاه دقیق قانونی، اختلاس فساد مالی محسوب نمی‌گردد، زیرا در فساد بین دو شخص که یکی از آنها نماینده دولت است، معامله نامشروعی صورت می‌گیرد به گونه‌ای که وی از اختیارات دولتی خود به نفع شخصی استفاده می‌کند.

ضعف سیستم مدیریت، سوء استفاده از مقام و موقعیت، بی‌برنامگی در نحوه تخصیص و هزینه کردن بودجه‌های اداری، ورود مدیریتها در عرصه تجارت موازی، وجود ارتباطات فامیلی و پیچیدگی‌های زاید اداری و کاغذبازی‌ها را می‌توان از اصلی‌ترین دلایل بوجود آمدن اختلاس در دستگاههای دولتی، ارگانها و نهادهای تحت پوشش دولت محسوب نمود. دخالت مدیریتهای دولتی در تجارت، واسطه‌گری و فعالیتهای جنبی از مهمترین عوامل اختلاس و حیف و میل اموال بیت‌المال است.

۱. سمیعی ح، ۱۳۴۸

- قاچاق

قاچاق کالا عبارتست از نقل و انتقالات مخفیانه کالاها از خارج به داخل یا از داخل به خارج کشور، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و بدون توجه به مقررات مربوط. در واقع قاچاق نوعی تجارت کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستد کالاها را دور می‌زند و پدیده‌ای نامطلوب است که اقتصاد کشور را از مسیر صحیح آن منحرف و دستیابی به اهداف و برنامه‌های توسعه اقتصادی را با اختلال و دشواری مواجه می‌سازد. قاچاق اصولاً یک مالیات غیرعادی است و با بروز این پدیده در اقتصاد هر کشور، در مرحله اول اعتبار و منزلت اجتماعی آن کشور در جامعه تجارت جهانی خدشه‌دار می‌شود. قاچاقچیان با قاچاق کالا، بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به حقوق تمامی افراد جامعه تجاوز می‌کنند و موجب بروز اختلال در اقتصاد جامعه می‌شوند. آنها در مقابل خروج کالاهای مورد نیاز مردم و منابع ملی، اقدام به ورود کالاهایی می‌کنند که منجر به تهاجم شدیدی علیه تولیدکنندگان داخلی می‌شود. مهمترین دلیل قاچاق کالاهای داخلی به خارج، وجود اختلاف بین قیمت‌های آنها در بازارهای داخلی و خارجی (بویژه کشورهای همسایه) است.

- احتکار

احتکار در فرهنگ لغت به معنی "ظلم و ستم، بد رفتاری، سوء معاشرت، اجحاف و استبداد، ایجاد مشقت و گرفتاری برای دیگران، نقض، لجاج و همچنین جمع و حبس و انبار کردن مایحتاج جامعه و ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم با هدف ایجاد کمبود و افزایش قیمت" آمده است. به این ترتیب عامل "انبار کردن (معمولاً بصورت پنهان) به قصد ایجاد کمبود فعلی" و "فروش آن در آینده به قیمتی بالاتر" نقش اساسی در انجام عمل احتکار ایفا می‌کند و نگهداری به منظور افزایش قیمت و نیز عدم امکان تهیه کالا از جای دیگر از شرایط احتکار محسوب می‌شوند. در اقتصاد، احتکار (*Speculation*) به عمل پیش‌بینی نوسان قیمت‌های کالاها و موجودی‌ها و خرید و فروش آنها به منظور کسب سود از طریق تغییرات پیش‌بینی شده قیمت‌ها اشاره دارد.

- رانت جویی

رانت جویی گاهی دقیقاً مترادف با فساد مالی به کار می‌رود و بخش‌های زیادی از این دو مفهوم هم‌پوشانی دارد. رانت جویی از مفهوم اقتصادی رانت، یعنی عواید افزون بر تمام هزینه‌های مربوط مشتق می‌شود و همان چیزی است که اکثر مردم آن را سودهای انحصاری می‌دانند. به لحاظ لغوی رانت اجاره، اجاره بها و کرایه تعریف می‌شود، اما مفهوم اقتصادی آن بسیار گسترده تر از تعریف لغوی است. با اینکه قبل از ریکاردو تعریف رانت مورد بحث اقتصاددانان بوده، اما ریکاردو این نظریه را بطور اساسی توسعه داده است. وی معتقد بود که بهره مالکانه (رانت) تاثیری بر ارزش مبادله یا قیمت کالا ندارد، بلکه قیمت است که مقدار بهره مالکانه را تعیین می‌کند. لذا افزایش جمعیت و تقاضا برای محصولات غذایی، رانتی را نصیب صاحبان زمینهای مرغوب خواهد کرد.